

هم‌بستگی تولید عسل و صفات مورفولوژیک زنبور عسل در اصفهان

محمدعلی ادریس، محمد مستأجران و رحیم عبادی^۱

چکیده

به منظور برآورد هم‌بستگی بین میزان تولید عسل و برخی از ویژگی‌های ظاهری زنبور عسل، سسی ملکه مادر، به صورت تصادفی از زنبورستان مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان اصفهان انتخاب، و از هر ملکه مادر پنج ملکه دختر پرورش داده شد و بررسی گردید. محصول عسل تابستان از اختلاف وزن شان عسل قبل و بعد از استخراج عسل اندازه‌گیری شد، و محصول عسل پاییز بر اساس مساحت سطح قاب سرپوشیده محاسبه گردید. صفات ظاهری با استفاده از استریومیکروسکوپ مجهز به عدسی چشمی مدرج، بر اساس روش روتنر اندازه‌گیری شد.

میانگین تولید عسل در سال ۱۰/۰۵ کیلوگرم تخمین زده شد. هم‌بستگی فنوتیپی بین تولید عسل سالیانه با تولید عسل تابستان و پاییز به ترتیب ۰/۴۹ و ۰/۸۸ برآورد گردید، در حالی که هم‌بستگی بین عسل تولیدی تابستان و پاییز در حد پایین بود. هم‌بستگی معنی‌داری بین عسل تولیدی تابستان و ایندکس کویتال B، طول ساق پا و عرض بال جلو (به ترتیب ۰/۲۸، ۰/۲۵ و ۰/۲۱) مشاهده شد. هم‌چنین، هم‌بستگی معنی‌داری بین عرض پنجه با عسل تولیدی کل و پاییز به دست آمد (به ترتیب ۰/۲۲ و ۰/۲۳). هم‌بستگی ژنتیکی بین طول پنجه و ایندکس کویتال با تولید عسل تابستان منفی برآورد شد (به ترتیب ۰/۷۵- و ۰/۴۵-). با توجه به هم‌بستگی زیاد بین عسل تولیدی تابستان و کل عسل تولیدی سالیانه، بهتر است برای صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌ها به منظور بهبود کل عسل تولیدی، انتخاب بر اساس محصول تولیدی تابستانه کلنی باشد. هم‌چنین در طرح‌های به‌نژادی برای افزایش تولید عسل، می‌توان از صفات هم‌بسته طول ساق، عرض بال جلو و ایندکس کویتال استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: زنبور عسل، هم‌بستگی، تولید عسل، صفات ظاهری (مورفولوژیک)

۱. به ترتیب استاد و دانشجوی سابق کارشناسی ارشد اصلاح نژاد دام، و استاد حشره‌شناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

مقدمه

زنبور عسل دارای تولیدات متنوعی است که هر کدام از آنها می‌توانند منبع درآمدی برای زنبوردار باشد. از جمله این تولیدات می‌توان تولید عسل، گرده گل، موم، بره موم، ژله رویال، زهر و درآمد حاصل از اجاره دادن کلنی‌ها به منظور گرده‌افشانی گیاهان را نام برد. تولید عسل مهم‌ترین تولید اقتصادی زنبور عسل در دنیا، و به ویژه در ایران است. بر اساس آمار رسمی و غیر رسمی (۱ و ۲)، میانگین تولید عسل هر کلنی در کشور ایران پایین (حدود ۱۰ کیلوگرم به ازای هر کلنی)، و نیز بر اساس آمار معاونت امور دام استان اصفهان (۳)، تولید عسل هر کلنی در سال‌های اخیر در استان اصفهان ۱۰ کیلوگرم بوده است. این گزارش شمار کلنی‌های موجود در سطح استان را بالغ بر دویست هزار کلنی ذکر کرده است. مهم‌ترین مشکلی که زنبورداران ایرانی با آن مواجه هستند کمی تولید کلنی‌ها می‌باشد. این امر، همراه با افزایش هزینه‌ها باعث کاهش درآمد حاصل از پرورش زنبور عسل شده و روز به روز از رشد اقتصادی این بخش از کشاورزی می‌کاهد.

در علوم دامی، اصلاح نژاد دام بهترین ابزار برای بهبود پایدار فرآورده‌های دامی است. در صنعت پرورش زنبور عسل، امکان کنترل شرایط محیطی از جمله تغذیه و بهداشت کم است. یکی از جنبه‌های مهم پرورش این حشره مفید اصلاح نژاد آن مطابق با نیازهای کشور می‌باشد. بنابراین، برای بهبود پرورش و افزایش تولیدات زنبور عسل طراحی برنامه‌های دقیق به‌نژادی ضروری به نظر می‌رسد. برای طراحی یک برنامه اصلاح نژادی کارا، شناخت همه‌جانبه جامعه مورد نظر ضروری است. از جمله ابزارهای مورد نیاز برای طراحی دقیق یک برنامه اصلاح نژادی، داشتن پارامترهای ژنتیکی همچون وراثت‌پذیری، ضرایب هم‌بستگی صفات مختلف، میانگین، واریانس و کوواریانس صفات می‌باشد. یکی از راه‌های بهبود و اصلاح نژاد یک جامعه عمل انتخاب است، که به وسیله آن افراد با تولید بیشتر به عنوان والدین نسل آینده در جامعه انتخاب می‌شوند. چون تولید عسل تحت تأثیر عوامل مختلفی چون عوامل

محیطی داخل و خارج کندو قرار می‌گیرد، ارزیابی کلنی با خطاها و تقریب زدن‌های خاصی همراه است.

برای ارزیابی دقیق‌تر کلنی‌ها دو راه عمده پیشنهاد شده است. یکی از این راه‌ها کنترل و حذف آثار محیطی و ثانویه است. بدین صورت که سعی می‌شود تمام شرایط برای همه کلنی‌های مورد آزمایش یکسان باشد. روش دیگر برای ارزیابی و بهبود تولید عسل استفاده از صفات هم‌بسته است. در این روش با انجام انتخاب در صفاتی که با تولید عسل هم‌بستگی دارند و خود آن صفات کمتر تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرند، و از سویی اندازه‌گیری آنها با صرف وقت و هزینه کمتری همراه است، سعی می‌کنند تا تولید عسل را بهبود بخشند. مهم‌ترین صفاتی که برای این کار مورد توجه قرار گرفته است شامل: ۱. طول عمر زنبورهای کارگر، ۲. رفتار چرایی زنبورهای کارگر، ۳. ویژگی‌های مورفولوژیک (ظاهری)، ۴. صفات آزمایشگاهی و ۵. افزایش وزن کوتاه مدت کلنی زنبور عسل می‌باشد.

مشخصات ظاهری که غالباً در پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از: طول خرطوم، طول و عرض بال جلو، ایندکس کوبیتال، طول ران، طول ساق، طول پنجه، و مساحت سبد گرده (۱۴). در مورد چگونگی ارتباط بین این صفات گزارش‌های متناقضی انتشار یافته است.

میلن (۱۱) در یک پژوهش شش ساله روی یک توده زنبور عسل در کانادا، ارتباط بین تولید عسل و مساحت سبد گرده را در سال‌های متفاوت به شدت متغیر اعلام نمود، به طوری که این هم‌بستگی را در یک سال منفی (-۰/۰۵) و در یکی از سال‌های آزمایش مثبت و در حد زیاد گزارش نمود (+۰/۶۵). میلن و پرایس (۱۲) هم‌بستگی فنوتیپی بین تولید عسل و طول سبد گرده را +۰/۵۵ برآورد نمودند. بنفلد و پیرچنر (۸) در نژاد کارنیولان هم‌بستگی تولید عسل و ایندکس کوبیتال را ناچیز برآورد کردند.

سابو و لف‌کوئیچ (۱۷) هم‌بستگی معنی‌داری بین طول خرطوم و تولید عسل مشاهده نمودند. ایشان بین تولید عسل و طول بال جلو، طول بال عقب، عرض بال عقب، طول ران، طول

مواد و روش‌ها

این پژوهش با استفاده از جامعه زنبورستان مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان اصفهان طی سه سال اجرا شد. کلنی‌های زنبورستان مزبور از بین زنبورستان‌های مختلف استان اصفهان جمع‌آوری و تشکیل شده بود. در این بررسی ۳۰ ملکه مادر به صورت تصادفی انتخاب شد. از هر ملکه مادر پنج ملکه دختر پرورش یافته، پس از جفت‌گیری طبیعی به کلنی‌های همسان معرفی شدند. کلنی‌های دختر به همراه کلنی‌های مادر و دیگر کلنی‌ها در یک زنبورستان قرار گرفتند. در سال دوم تولید عسل کلنی‌ها اندازه‌گیری شد. تولید عسل تابستان از تفاوت وزن قاب‌های عسل قبل و بعد از عسل‌گیری اندازه‌گیری گردید. تولید عسل پاییز از اندازه‌گیری سطح شان عسل سرپوشیده بر اساس هر دسی‌متر مربع ۳۳۰ گرم محاسبه شد. از مجموع تولید عسل تابستان و عسل پاییز، کل تولید عسل سال محاسبه گردید. برای اندازه‌گیری صفات ظاهری، از هر کلنی حدود ۵۰ زنبور کارگر جوان به صورت تصادفی برداشته شد. نحوه نمونه‌گیری از این قرار بود که داخل یک شیشه ۴۰۰cc تکه‌ای پنبه آغشته به اتر قرار داده شد. زنبوران کارگر از روی شان‌های نوزاد به داخل شیشه هدایت شده و پس از بیهوشی، در شیشه‌های کوچک حاوی محلول پامپل (شامل سی قسمت آب مقطر، پانزده قسمت الکل ۹۵٪، شش قسمت فرمالدئید ۵۰٪ و دو قسمت اسید استیک ۱۰٪) قرار گرفتند تا در زمان مناسب اندازه‌گیری شوند. برای اندازه‌گیری صفات ظاهری از بینوکولر مجهز به عدسی چشمی مدرج و طبق روش روتنر (۱۴) استفاده شد. از هر کلنی ۲۰ زنبور کارگر مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. تمام اندام‌های اندازه‌گیری شده، بجز خرطوم، از سمت راست زنبور کارگر اندازه‌گیری شد.

صفات ظاهری که در این پژوهش بررسی گردید عبارت بود از: ۱. طول خرطوم ۲. طول ران پای سوم ۳. طول ساق پای سوم ۴. طول اولین بند پنجه پای سوم ۵. طول پا (مجموع طول ران، ساق و پنجه) ۶. عرض اولین بند پنجه پای سوم ۷. طول بال جلو ۸. عرض بال جلو ۹. نسبت طول به عرض بال

ساق و طول بند اول پنجه پای سوم ارتباط معنی‌دار یافتند، ولی بین تولید عسل با طول کوبیتال a، طول کوبیتال b، تعداد قلاب لبه جلویی بال عقب و عرض پنجه هم‌بستگی معنی‌دار نداشتند. همچنین، در بررسی ایشان هم‌بستگی بین مساحت بال جلو با کل تولید عسل ۰/۳۴ برآورد شد، که این هم‌بستگی برای تولید عسل در اولین و دومین برداشت عسل به ترتیب ۰/۲۳ و ۰/۲۱ بود. ایشان هم‌بستگی بین مساحت بال عقب و کل تولید عسل سالیانه را ۰/۴۱ برآورد نمودند. ارتباط همین صفت با اولین و دومین برداشت عسل به ترتیب ۰/۲۱ و ۰/۳۳ گزارش شد (۱۷). هم‌بستگی بین طول کل پا با تولید عسل کل، اولین و دومین برداشت عسل به ترتیب ۰/۳۴، ۰/۲۲ و ۰/۲۱ گزارش شده است. این برآوردها در سطح یک درصد معنی‌دار بوده است ($P < 0.01$).

یوکلاکر و کزیک (۱۳) هم‌بستگی بین سطح کل پا با مساحت ساق، سطح ران و سطح پنجه را به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۳ و ۰/۶۷ گزارش کردند. همچنین، هم‌بستگی فنوتیپی بین مجموع مساحت بال جلو و عقب با مساحت بال جلو و مساحت بال عقب به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۹۰ گزارش شد (۱۳). ایشان بین بیشتر صفات و ایندکس کوبیتال ارتباط ناچیز و منفی مشاهده کردند.

در هم‌بستگی‌های ژنتیکی نیز روندی مشابه روند هم‌بستگی‌های فنوتیپی مشاهده گردیده است. تنها تفاوت در مورد هم‌بستگی ژنتیکی بین مساحت بال جلو و کل مساحت بال‌ها بود، که هم‌بستگی ژنتیکی آن ۰/۹۵- و هم‌بستگی فنوتیپی آن ۰/۹۰+ بود. هم‌بستگی ژنتیکی بین ایندکس کوبیتال و دیگر صفات از نظر علامت مشابه هم‌بستگی فنوتیپی ولی از نظر مقدار بیشتر بود.

با توجه به پایین بودن تولید عسل در کلنی‌های زنبور عسل در ایران، و برای طراحی یک برنامه اصلاح نژادی به منظور بهبود تولید زنبور عسل ایرانی، ارتباط میان صفات ظاهری و تولید عسل که بتواند به عنوان معیار انتخاب مورد توجه واقع شود، در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت.

عسل را در بهترین سال ۴۹/۵۷ کیلوگرم گزارش نمود. در صورتی که فورگالا و داف (۹) میانگین تولید عسل را ۹۰ کیلوگرم و بیشتر گزارش دادند.

مقایسه میانگین تولید عسل هر کلنی در این پژوهش و گزارش تولید عسل کشور با پژوهش‌های خارجی، آشکارا نشان می‌دهد که میانگین تولید در ایران در حد پایینی قرار دارد. البته علت این ضعف می‌تواند تا حدود زیادی به دلیل شرایط نامطلوب محیطی، به ویژه کمبود گیاهان شهدزا و گرده‌زا باشد؛ ولی مسلم است که با انجام برنامه‌های اصلاح نژادی، امکان بهبود این توده و یا ایجاد یک نژاد مطلوب سازگار با شرایط موجود ممکن است. میانگین صفات ظاهری اندازه‌گیری شده در این کلنی‌ها را مستاجران و همکاران (۶) به طور مشروح گزارش کرده‌اند. در کل، میانگین صفات ظاهری، در مقایسه با میانگین گزارش شده توسط عبادی (۴) و طهماسبی (۵)، اندکی بیشتر است، و در مقایسه با نژادهای بررسی شده توسط روتنر (۱۴) بین نژادهای اروپایی و آفریقایی قرار می‌گیرد.

هم‌بستگی فنوتیپی و ژنتیکی بین صفات ظاهری زنبور عسل کارگر و عملکرد تولید عسل کلنی‌های مورد بررسی در جدول ۱ ارائه شده است. هم‌بستگی فنوتیپی بین کل تولید عسل سالیانه و تولید عسل تابستان ۰/۴۹، و هم‌بستگی بین کل تولید عسل سال و تولید عسل پاییز ۰/۸۸ برآورد شد، که هر دو بسیار معنی‌دار بود ($P < 0/01$).

هم‌بستگی ژنتیکی بین عسل تابستان و کل تولید عسل ۰/۸۷±۰/۱۲ بود، که هم‌بستگی شدیدی را نشان می‌دهد. سولر و بارکوهن (۱۶) هم‌بستگی فنوتیپی و ژنتیکی بین تولید عسل بهار و کل تولید عسل را به ترتیب ۰/۹۲ و ۱/۰۲ گزارش نمودند، که به برآورد پژوهش حاضر نزدیک است. پس با توجه به هم‌بستگی ژنتیکی برآورد شده، انتظار می‌رود با انتخاب بر اساس تولید عسل تابستان، کل تولید عسل سالیانه افزایش یابد.

هم‌بستگی فنوتیپی بین عسل تابستان و عسل پاییز ۰/۰۲ برآورد شد، که از نظر آماری معنی‌دار نیست. سابو و لف‌کوئچ (۱۷) هم‌بستگی فنوتیپی بین اولین و دومین برداشت عسل را

جلو ۱۰. طول رگبال کوبیتال a ۱۱. طول رگبال کوبیتال b
۱۲. شاخص کوبیتال (کوبیتال ایندکس) $\frac{a}{b}$ ۱۳. طول بال عقب
۱۴. عرض بال عقب ۱۵. نسبت طول به عرض بال عقب
۱۶. شمار قلاب‌های لبه جلویی بال عقب.

داده‌های به دست آمده با استفاده از برنامه کوآتروپرو ذخیره، و آنالیزهای اولیه روی اعداد صورت گرفت. سپس با استفاده از برنامه آماری SAS (۱۵) هم‌بستگی‌های فنوتیپی برآورد شد. هم‌بستگی‌های ژنتیکی نیز با استفاده از مدل سوم موجود در برنامه آماری - ژنتیکی هاروی (۱۰) و بر اساس تقسیم واریانس ژنتیکی بین دو صفت بر میانگین هندسی واریانس ژنتیکی دو صفت برآورد گردید (۷).

مدل آماری مورد استفاده برای صفات ظاهری عبارت بود از:

$$Y_{ijk} = \mu + m_i + d_{ij} + e_{ijk}$$

که در این مدل Y_{ijk} برابر با هر یک از خصوصیات مربوط به k امین زنبور کارگر از i امین ملکه دختر مربوط به i امین ملکه مادر، μ میانگین کل، m_i اثر i امین ملکه مادر و d_{ij} اثر j امین ملکه دختر در i امین ملکه مادر و e_{ijk} برابر با آثار محیطی کنترل نشده و انحرافات ژنتیکی مربوط به افراد می‌باشد.

برای برآورد هم‌بستگی ژنتیکی بین صفات از فرمول:

$$r_g = \frac{\text{Cov}_m(xy)}{\sqrt{\sigma^2_m(x) \cdot \sigma^2_m(y)}}$$

استفاده شده که در این فرمول:

$$r_g = \text{هم‌بستگی ژنتیکی}$$

$$xy = \text{دو صفت مورد نظر}$$

$$\text{Cov}_m(xy) = \text{کواریانس بین مادرها برای دو صفت مورد نظر}$$

$$\sigma^2_m = \text{واریانس بین مادرها برای هر صفت}$$

نتایج و بحث

میانگین کل تولید عسل سال برای هر کلنی در کندوهای مورد آزمایش ۱۰/۰۵ کیلوگرم بود. میلن (۱۱) میانگین تولید عسل را در بدترین سال آزمایش خود ۱۶/۲۲ کیلوگرم، و میانگین تولید

جدول ۱. هم‌بستگی فنوتیپی و ژنتیکی بین تولید عسل و صفات ظاهری اندازه‌گیری شده در توده زنبور عسل مورد بررسی

صفت	هم‌بستگی فنوتیپی			هم‌بستگی ژنتیکی ^۱		
	عسل تابستان	عسل پاییز	عسل کل	عسل تابستان	عسل پاییز	عسل کل
عسل تابستان	—	۰/۰۱۹ ^{ns}	۰/۴۸۷**	—	—	>۱/۰
عسل پاییز	۰/۰۱۹ ^{ns}	—	۰/۸۸۲**	—	—	—
عسل کل	۰/۴۸۷**	۰/۸۸۲**	—	—	—	—
طول خرطوم	۰/۰۳۸ ^{ns}	-۰/۱۴۱ ^{ns}	-۰/۱۰۵ ^{ns}	—	—	—
طول ران	-۰/۰۰۹ ^{ns}	۰/۰۰۲ ^{ns}	۰/۰۰۲ ^{ns}	<-۱/۰	—	-۰/۵۹±۱/۰۷
طول ساق	۰/۲۵۱**	-۰/۰۸۴ ^{ns}	۰/۰۴۴ ^{ns}	—	—	—
طول پنجه	-۰/۰۰۵ ^{ns}	۰/۱۵۱ ^{ns}	۰/۱۲۹ ^{ns}	-۰/۷۵±۰/۶۸	—	۰/۰۳±۰/۷۵
عرض پنجه	۰/۰۳۸ ^{ns}	۰/۲۲۷*	۰/۲۱۶*	—	—	—
طول پا	۰/۱۱۸ ^{ns}	۰/۰۲۶ ^{ns}	۰/۰۷۸ ^{ns}	<-۱/۰	—	—
طول بال جلو	۰/۰۷۱ ^{ns}	۰/۰۰۷ ^{ns}	۰/۰۲۷ ^{ns}	—	—	>۱/۰
عرض بال جلو	۰/۲۰۷*	-۰/۰۴۵ ^{ns}	۰/۰۵۸ ^{ns}	-۰/۰۵±۰/۶۲	—	۰/۳۹±۰/۸۵
نسبت طول به عرض بال جلو	-۰/۲۰۲*	۰/۰۴۵ ^{ns}	-۰/۰۵۵ ^{ns}	—	—	۰/۲۹±۰/۸۹
طول کوپیتال a	-۰/۱۱۵ ^{ns}	۰/۰۱۰ ^{ns}	۰/۰۴۵ ^{ns}	—	—	—
طول کوپیتال b	۰/۲۸۳**	۰/۰۲۸ ^{ns}	۰/۱۵۷ ^{ns}	>۱/۰	—	>۱/۰
ایندکس کوپیتال	-۰/۲۹۰**	-۰/۰۲۳ ^{ns}	۰/۱۵۶ ^{ns}	-۰/۴۵±۰/۹۱	—	-۰/۲۹±۱/۰۵
طول بال عقب	۰/۰۶۰ ^{ns}	-۰/۰۱۵ ^{ns}	۰/۰۱۵ ^{ns}	—	—	—
عرض بال عقب	۰/۰۸۶ ^{ns}	-۰/۰۰۹ ^{ns}	۰/۰۳۲ ^{ns}	۰/۲۳±۰/۱۱۸	—	—
نسبت طول به عرض بال عقب	-۰/۰۶۲ ^{ns}	۰/۰۰۲ ^{ns}	-۰/۰۲۷ ^{ns}	—	—	—
تعداد قلاب	-۰/۱۶۴ ^{ns}	-۰/۰۰۵ ^{ns}	-۰/۰۸۲ ^{ns}	-۰/۶۷±۰/۹۷	—	-۰/۹۵±۱/۴۷

** : معنی‌دار در سطح ۱ درصد * : معنی‌دار در سطح ۵ درصد ns : غیر معنی‌دار در سطح ۵ درصد

۱. هم‌بستگی‌های بیشتر از +۱ و یا کمتر از -۱ ممکن است به دلیل طبیعت صفت، خطای آزمایشی و کم بودن تعداد مشاهدات مورد استفاده در پژوهش باشد.

دلایل گوناگون باشد؛ یکی این که جام گل گیاهانی که مورد استفاده زنبور عسل قرار گرفته است عمیق نبوده، و زنبور کارگر به راحتی توانسته است به شهد موجود در آن دست‌رسی پیدا کند. میانگین طول خرطوم ۶/۵۸ میلی‌متر بود.

بین تولید عسل تابستان و عرض بال جلو هم‌بستگی فنوتیپی مثبت و معنی‌دار در حد ۰/۲۱ مشاهده شد. این برآورد گویای آن است که عرض بال جلو بر تولید عسل تأثیر گذاشته است. بین نسبت طول به عرض بال جلو و تولید عسل تابستان

۰/۱۰ و معنی‌دار گزارش کردند. کم بودن هم‌بستگی بین تولید تابستان و تولید پاییز در این بررسی نشان می‌دهد که این دو صفت ارتباطی با یکدیگر ندارند، و احتمالاً عوامل مؤثر بر تولید عسل تابستان با عوامل مؤثر بر تولید عسل پاییز یکسان نیستند.

هم‌بستگی بین تولید عسل تابستان و طول خرطوم ۰/۰۴ برآورد شد، که از نظر آماری معنی‌دار نبود. سابو و لف‌کوچ (۱۷) نیز ارتباطی بین تولید عسل و طول خرطوم مشاهده نکردند. نبود رابطه بین طول خرطوم و تولید عسل می‌تواند به

ایندکس کویتال بزرگ‌تر مشخصه نژادهای اروپایی همچون کارنیولان و ایتالیایی است، و ایندکس کویتال کوچک مشخصه نژادهای آفریقایی می‌باشد. ایندکس کویتال اندازه‌گیری شده در این پژوهش (۲/۵۶) به نژادهای اروپایی نزدیک‌تر است (۱۴). بین طول ساق پای عقب و تولید عسل تابستان هم‌بستگی فنوتیپی مثبت و بسیار معنی‌داری دیده شد (۰/۲۵). طول ساق در واقع همان طول سطح سبده‌هاست و بررسی‌هایی روی هم‌بستگی مساحت سبده‌ها و تولید عسل انجام شده است (۱۱ و ۱۲). میلن و پرایس (۱۲) هم‌بستگی فنوتیپی بین تولید عسل و طول سبده‌ها را $+0/55$ گزارش نمودند. میلن (۱۱) طی شش سال پی‌در‌پی هم‌بستگی بین تولید عسل و مساحت سبده‌ها را در سال‌های مختلف از حداقل $-0/05$ تا حداکثر $+0/65$ برآورد نمود.

وجود هم‌بستگی مثبت بین طول ساق پای عقب و تولید عسل نشان می‌دهد که با افزایش طول ساق پای عقب تولید عسل نیز افزایش می‌یابد. با افزایش طول ساق پای عقب، در واقع مساحت سبده‌ها افزایش یافته و باعث می‌گردد که زنبور کارگر بتواند حجم گرده بیشتری به کندو حمل کند، و در پی آن میزان نوزاد و جمعیت کندو اضافه شده، در نهایت به علت افزایش جمعیت، عسل تولید شده نیز افزایش یابد.

عرض پنجه پای عقب نیز با تولید عسل پاییز و عسل کل هم‌بستگی مثبت و معنی‌داری نشان می‌دهد (۰/۲۳ و ۰/۲۲). با اضافه شدن عرض پنجه، تولید عسل نیز افزایش می‌یابد. عرض پنجه پای عقب نیز ممکن است بر مساحت سبده‌ها تأثیر گذاشته و مانند طول ساق پای عقب باعث افزایش تولید عسل شود.

هم‌بستگی ژنتیکی طول ران با کل تولید عسل منفی برآورد شد (۰/۵۹-). هم‌بستگی ژنتیکی بین تولید عسل تابستان و طول پنجه $-0/75 \pm 0/68$ برآورد شد، که نشان دهنده هم‌بستگی ژنتیکی منفی است. هم‌بستگی ژنتیکی طول پنجه با کل تولید عسل مثبت ولی ناچیز است. طول بال جلو با کل تولید عسل هم‌بستگی ژنتیکی مثبت نشان می‌دهد ($0/30 \pm 0/17$). هم‌بستگی

هم‌بستگی فنوتیپی منفی و معنی‌داری (۰/۲۰-) دیده شد. چون طول بال جلو با تولید عسل هم‌بستگی معنی‌داری نداشت، و از سوی دیگر، عرض بال جلو با تولید عسل تابستان به طور مثبتی ارتباط داشت، پس هم‌بستگی نسبت طول به عرض بال جلو و تولید عسل تابستان احتمالاً می‌تواند هم‌بستگی فنوتیپی تولید عسل تابستان را با نسبت معکوس عرض بال جلو مورد ملاحظه قرار دهد. بنابراین، با انتخاب به نفع زنبوران با عرض بال جلو بزرگ‌تر احتمالاً می‌توان باعث افزایش تولید عسل شد. هم‌بستگی فنوتیپی طول کویتال a با تولید عسل معنی‌دار نبود، ولی طول کویتال b با تولید عسل تابستان بسیار معنی‌دار برآورد شد (۰/۲۸). در مقابل، تولید عسل تابستان و ایندکس کویتال هم‌بستگی فنوتیپی منفی و بسیار معنی‌داری داشت (۰/۲۹-).

در پژوهش حاضر بین طول ران، طول پنجه، طول پا، طول بال جلو، طول کویتال a، طول بال عقب، عرض بال عقب، نسبت طول به عرض بال عقب و شمار قلاب روی لبه جلویی بال عقب با تولید عسل هم‌بستگی معنی‌داری مشاهده نگردید (جدول ۱). سابو و لف‌کوئیچ (۱۷) بین تولید عسل با طول بال جلو، عرض بال جلو، طول بال عقب، عرض بال عقب، طول ران، طول ساق و طول بند اول پنجه سوم هم‌بستگی معنی‌داری برآورد نمودند.

بنفلد و پیرچنر (۸) هم‌بستگی معنی‌داری بین تولید عسل و ایندکس کویتال نیافتند. سابو و لف‌کوئیچ (۱۷) نیز بین طول کویتال a و b و تولید عسل هم‌بستگی معنی‌داری مشاهده نکردند.

وجود هم‌بستگی مثبت و بسیار معنی‌دار بین طول کویتال b و تولید عسل تابستان نشان می‌دهد که با افزایش طول کویتال b تولید عسل تابستان نیز افزایش می‌یابد، و برعکس انتظار می‌رود با افزایش ایندکس کویتال، تولید عسل تابستان کم شود (تحت شرایط آزمایش انجام شده). پس در چنین شرایطی، احتمالاً می‌توان با انتخاب علیه ایندکس کویتال بزرگ‌تر در یک برنامه به‌نژادی، تولید عسل را افزایش داد.

جدول ۲. هم‌بستگی ژنتیکی (بالای قطر)، فنوتیپی (پایین قطر) و محیطی داخل () برای طول خرطوم و اندازه‌های پای عقب زنبور عسل کارگر در توده مورد بررسی

صفت	۱	۲	۳	۴	۵	۶
طول خرطوم (۱)	—	۰/۴۸۰	۰/۵۰۵	۰/۳۱۷	۰/۵۶۱	۰/۲۳۰
		±۰/۱۱۶	±۰/۱۱۴	±۰/۱۳۴	±۰/۱۰۴	±۰/۱۵۱
طول ران (۲)	۰/۳۷۸** (۰/۱۹۹)	—	۰/۴۱۲	۰/۴۹۲	۰/۷۷۴	۰/۳۵۱
			±۰/۱۳۱	±۰/۱۲۱	±۰/۰۶۳	±۰/۱۴۵
طوق ساق (۳)	۰/۳۳۸** (۰/۰۲۲)	۰/۴۳۸** (۰/۳۷۰)	—	۰/۴۱۳	۰/۸۱۰	۰/۴۷۶
				±۰/۱۳۳	±۰/۰۵۴	±۰/۱۳۶
طول پنجه (۴)	۰/۳۱۳** (۰/۳۳۷)	۰/۴۱۷** (۰/۳۶۶)	۰/۳۴۴** (۰/۲۴۳)	—	۰/۷۸۳	۰/۴۱۴
				±۰/۰۶	±۰/۱۳۹	±۰/۱۳۹
طول پا (۵)	۰/۴۳۷** (۰/۲۲۴)	۰/۷۶۷** (۰/۷۰۶)	۰/۷۹۶** (۰/۸۰۰)	۰/۷۳۱** (۰/۶۶۵)	—	۰/۵۳۰
				±۰/۱۲۳		±۰/۱۲۳
عرض پنجه (۶)	۰/۱۹۷** (۰/۲۰۰)	۰/۲۵۰** (۰/۱۶۳)	۰/۲۱۳** (۰/۰۰)	۰/۳۰۴** (۰/۲۱۲)	۰/۳۲۱** (۰/۱۵۳)	—

** : معنی‌دار در سطح یک درصد

خرطوم با طول ران، طول ساق، طول پنجه، عرض پنجه و طول پا، همگی مثبت و بسیار معنی‌دار بود (جدول ۲). طول خرطوم کمترین هم‌بستگی را با عرض پنجه (۰/۲۰)، و بیشترین هم‌بستگی را با طول پا (۰/۴۴) نشان داد.

هم‌بستگی‌های ژنتیکی طول خرطوم و اندازه‌های پای سوم زنبور عسل کارگر نیز مثبت و معنی‌دار بود (جدول ۲). همانند هم‌بستگی فنوتیپی، بیشترین مقدار مربوط به طول پا (۰/۱۰±۰/۵۶)، و کمترین مقدار هم‌بستگی ژنتیکی مربوط به عرض پنجه (۰/۲۳±۰/۱۵) بود. طول پا با اجزای دیگر پا هم‌بستگی نسبتاً شدیدی را نشان داد. طول پا بیشترین هم‌بستگی

ژنتیکی بین تولید عسل تابستان با ایندکس کویتال (۰/۴۵-) و تعداد قلاب (۰/۶۷-) نیز منفی برآورد شد. هم‌بستگی ژنتیکی بین تولید عسل تابستان و طول کویتال b (۱/۳۱) و عرض بال عقب (۰/۲۳) مثبت برآورد شد. هم‌بستگی ژنتیکی بین کل تولید عسل سال با عرض بال جلو (۰/۳۹) و نسبت طول به عرض بال جلو (۰/۲۹) مثبت بود. هم‌بستگی ژنتیکی بین کل تولید عسل با ایندکس کویتال (۰/۲۹-) و تعداد قلاب (۰/۹۵-) منفی بود.

هم‌بستگی‌های ژنتیکی و فنوتیپی بین صفات ظاهری در جداول ۲ تا ۵ ارائه شده است. هم‌بستگی فنوتیپی بین طول

جدول ۴. همبستگی فنوتیپی طول خرطوم و اندازه‌های پای عقب با اندازه بال‌های زنبور عسل کارگر در توده مورد بررسی

صفت	طول خرطوم	طول ران	طول ساق	طول پنجه	طول پا	عرض پنجه
طول بال جلو	۰/۲۷۴***	۰/۲۷۳***	۰/۲۵۱***	۰/۲۵۲***	۰/۳۲۶***	۰/۱۶۲***
عرض بال جلو	۰/۲۸۴***	۰/۲۵۶***	۰/۲۹۶***	۰/۲۷۹***	۰/۳۵۱***	۰/۲۲۴***
نسبت طول به عرض بال جلو	۰/۰۳۷ ^{ns}	۰/۰۱۰ ^{ns}	-۰/۰۶۹**	-۰/۰۵۱*	-۰/۰۵۶**	-۰/۰۷۶***
طول کوبیتال a	۰/۰۹۹***	۰/۱۱۱***	۰/۰۵۴*	۰/۰۷۸***	۰/۰۹۴***	۰/۰۲۱ ^{ns}
طول کوبیتال b	۰/۰۲۹ ^{ns}	۰/۰۴۹*	۰/۰۳۶ ^{ns}	۰/۰۲۰ ^{ns}	۰/۰۴۵*	۰/۰۵۳**
ایندکس کوبیتال	۰/۰۳۵ ^{ns}	۰/۰۲۶ ^{ns}	۰/۰۰۸ ^{ns}	۰/۰۲۸ ^{ns}	۰/۰۲۲ ^{ns}	-۰/۰۲۴ ^{ns}
طول بال عقب	۰/۲۹۷**	۰/۲۸۴***	۰/۳۱۷***	۰/۲۸۹***	۰/۳۷۷***	۰/۲۰۱***
عرض بال عقب	۰/۱۹۹***	۰/۲۰۷**	۰/۲۱۹***	۰/۲۳۰***	۰/۲۷۵***	۰/۲۰۶***
نسبت طول به عرض بال عقب	-۰/۰۲۹ ^{ns}	۰/۰۴۳*	-۰/۰۴۱*	۰/۰۶۶**	۰/۰۶۱**	۰/۰۹۲***
تعداد قلاب	۰/۰۶۲***	۰/۰۵۲*	۰/۰۲۱ ^{ns}	۰/۰۷۱***	۰/۰۵۷**	۰/۰۵۹**

***: معنی‌دار در سطح ۱ در هزار ** : معنی‌دار در سطح ۱ درصد
 * : معنی‌دار در سطح ۵ درصد ns : غیر معنی‌دار در سطح ۵ درصد

جدول ۵. همبستگی ژنتیکی طول خرطوم و اندازه‌های پای عقبی با اندازه بال‌های زنبور عسل کارگر در توده مورد بررسی

صفت	طول خرطوم	طول ران	طول ساق	طول پنجه	طول پا	عرض پنجه
طول بال جلو	۰/۵۴۹±۰/۱۱۵	۰/۵۳۴±۰/۱۲۰	۰/۵۹۵±۰/۱۱۵	۰/۵۰۶±۰/۱۲۶	۰/۶۹۴±۰/۰۹۴	۰/۳۴۳±۰/۱۵۱
عرض بال جلو	۰/۴۳۴±۰/۱۱۷	۰/۲۸۴±۰/۱۳۵	۰/۷۵۷±۰/۰۷۶	۰/۴۳۱±۰/۱۲۲	۰/۶۵۰±۰/۰۹۰	۰/۵۷۷±۰/۱۱۱
نسبت طول به عرض بال جلو	-۰/۰۹۹±۰/۱۵۸	۰/۰۹۰±۰/۱۶۰	-۰/۰۵۲±۰/۱۳۶	-۰/۱۵۱±۰/۱۶۰	-۰/۲۸۳±۰/۱۵۲	۰/۵۰۴±۰/۱۴۵
طول کوبیتال a	۰/۲۴۷±۰/۱۴۱	۰/۳۰۹±۰/۱۴۰	۰/۰۴۶±۰/۱۵۴	۰/۳۲۴±۰/۱۴۰	۰/۲۶۷±۰/۱۴۲	۰/۱۵۱±۰/۱۵۷
طول کوبیتال b	۰/۱۷۳±۰/۱۷۹	۰/۲۳۵±۰/۱۷۶	۰/۳۲۶±۰/۱۷۳	۰/۱۱۱±۰/۱۸۳	۰/۲۹۳±۰/۱۷۳	۰/۰۵۴±۰/۱۹۲
ایندکس کوبیتال	۰/۱۹۲±۰/۱۴۸	۰/۰۲۳±۰/۱۵۶	-۰/۰۸۲±۰/۱۵۷	۰/۱۴۱±۰/۱۵۴	۰/۰۲۴±۰/۱۵۵	۰/۱۵۰±۰/۱۶۱
طول بال عقب	۰/۴۵۳±۰/۱۱۳	۰/۳۲۸±۰/۱۳۱	۰/۶۰۸±۰/۱۰۰	۰/۴۰۷±۰/۱۲۸	۰/۵۸۴±۰/۱۰۰	۰/۴۶۰±۰/۱۲۶
عرض بال عقب	۰/۲۶۲±۰/۱۳۴	۰/۲۰۰±۰/۱۴۴	۰/۶۳۰±۰/۱۰۲	۰/۲۳۷±۰/۱۴۳	۰/۴۷۹±۰/۱۱۹	۰/۵۸۱±۰/۱۱۴
نسبت طول به عرض بال عقب	۰/۰۴۳±۰/۱۴۴	۰/۰۳۴±۰/۱۵۴	-۰/۰۳۰±۰/۱۴۶	۰/۰۴۵±۰/۱۵۵	۰/۱۱۷±۰/۱۵۲	۰/۳۱۹±۰/۱۵۲
تعداد قلاب	۰/۱۲۶±۰/۱۵۷	۰/۰۷۸±۰/۱۵۷	-۰/۰۶۵±۰/۱۵۹	-۰/۰۹۶±۰/۱۵۸	۰/۰۴۱±۰/۱۵۷	۰/۱۰۱±۰/۱۶۴

ژن‌ها می‌باشد. با مقایسه همبستگی‌های ژنتیکی و فنوتیپی (جدول ۲) می‌توان دریافت که این دو برآورد هم‌علامت و نزدیک به یکدیگر می‌باشد، که احتمالاً همبستگی بین آنها نشان دهنده وجود ژن‌های مشترک است.

پوکلاکر و کریک (۱۳) نیز بیشترین همبستگی را بین سطح پا با اندازه‌های دیگر پا برآورد نموده‌اند، که با برآوردهای

را با طول ساق داشت (۰/۸۰). همبستگی‌های ژنتیکی طول پا با دیگر قسمت‌های پا نیز زیاد و مثبت بود، و روندی مشابه همبستگی فنوتیپی نشان داد (جدول ۲). عرض پنجه کمترین همبستگی را با قسمت‌های دیگر پا داشت. چون صفات ظاهری کمتر تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرند، می‌توان فرض نمود که در این مورد بخش اعظم همبستگی فنوتیپی نتیجه تأثیر مشترک

(به ترتیب ۰/۲۷، ۰/۳۰ و ۰/۲۸). طول پا نسبت به دیگر اجزای پا همبستگی زیادتری با اندازه‌های بال جلو و عقب داشت. پوکلاکر و کزیک (۱۳) نیز بیشترین همبستگی سطح بال جلو و عقب و کل سطح بال جلو و عقب را با طول پا گزارش نموده‌اند. همبستگی ایندکس کوپیتال با طول خرطوم و اندازه‌های پا از نظر آماری صفر بود، که نشان می‌دهد ایندکس کوپیتال با این صفات ارتباطی ندارد. پوکلاکر و کزیک (۱۳) نیز همبستگی بسیار کمی بین ایندکس کوپیتال با سطح ساق، سطح ران، سطح پنجه و سطح پا برآورد نمودند، که بیشتر آنها منفی بود.

همبستگی ژنتیکی نسبت طول به عرض بال جلو با طول خرطوم و اندازه‌های پای عقب، به استثنای طول ران و عرض پنجه، همگی منفی بود (جدول ۵)، که بیشترین مقدار همبستگی را با طول ساق (-0.052 ± 0.14) و کمترین مقدار را با طول خرطوم داشت (-0.10 ± 0.16). همبستگی ژنتیکی بین ایندکس کوپیتال با طول خرطوم و اندازه‌های پای عقب همگی ناچیز بود. پوکلاکر و کزیک (۱۳) همبستگی ژنتیکی بین ایندکس کوپیتال و سطح ساق، ران، پنجه و سطح پا را کم و منفی برآورد نموده‌اند، که بیشترین مقدار مربوط به سطح پنجه و کمترین آن مربوط به سطح ران بوده است (به ترتیب -0.32 ± 0.16 و -0.09 ± 0.18).

همبستگی ژنتیکی طول کوپیتال a و b با طول خرطوم و اندازه‌های پای عقب در حد متوسط و همگی مثبت بودند (جدول ۵). همبستگی ژنتیکی تعداد قلاب با طول خرطوم و اندازه‌های پای عقب همگی در حد خیلی پایین قرار داشت. همبستگی ژنتیکی طول خرطوم و اندازه‌های پای عقب با طول و عرض بال جلو و عقب زیاد و مثبت بود، و بیشترین همبستگی مربوط به طول ساق می‌شد. پوکلاکر و کزیک (۱۳) نشان داده‌اند که همبستگی بین سطح بال عقب، بال جلو و مجموع بال‌ها با اندازه‌های پای عقب، بجز سطح ران، همگی زیاد و مثبت است، که روند همبستگی‌ها با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. همبستگی فنوتیپی بین طول بال جلو با عرض بال جلو، طول کوپیتال a، طول کوپیتال b، طول بال عقب و عرض بال عقب مثبت و بسیار معنی‌دار بود. طول بال جلو بیشترین همبستگی را با نسبت طول به عرض بال جلو (0.48)، و کمترین همبستگی را با طول کوپیتال b (0.08) نشان می‌دهد (جدول ۳).

پوکلاکر و کزیک (۱۳) همبستگی فنوتیپی بین سطح بال جلو با سطح بال عقب، مجموع مساحت بال‌های جلو و عقب و ایندکس کوپیتال را به ترتیب 0.42 ، 0.90 و 0.07 برآورد نموده‌اند. طول بال جلو بیشترین همبستگی ژنتیکی را با طول بال عقب (0.80 ± 0.07) و کمترین همبستگی را با نسبت طول به عرض بال عقب داشت (0.05 ± 0.16). همبستگی ژنتیکی بین عرض بال جلو با نسبت طول به عرض بال جلو و عقب همانند همبستگی فنوتیپی منفی و در حد بالایی قرار داشت (به ترتیب -0.11 ± 0.11 و -0.36 ± 0.13). همبستگی فنوتیپی بین نسبت طول به عرض بال جلو با بیشتر صفات دیگر منفی بود. همین روند نیز در مورد نسبت طول به عرض بال عقب وجود داشت. همبستگی‌های ژنتیکی این دو صفت نیز مانند همبستگی‌های فنوتیپی بود (جدول ۳).

طول کوپیتال a با اندازه‌های دیگر بال همبستگی زیادی نشان نداد، و تنها همبستگی فنوتیپی شدید را با ایندکس کوپیتال داشت (0.72). طول کوپیتال b نیز با بیشتر صفات همبستگی فنوتیپی چندانی نداشت، و فقط با شاخص کوپیتال همبستگی زیاد، منفی و بسیار معنی‌دار نشان داد (-0.82). همبستگی ژنتیکی طول کوپیتال b و ایندکس کوپیتال منفی و زیاد بود (-0.72 ± 0.17). طول کوپیتال b با طول بال جلو و عرض بال جلو همبستگی ژنتیکی و چشم‌گیر داشت (به ترتیب 0.47 ± 0.16 و 0.39 ± 0.15).

طول خرطوم بجز در مورد ایندکس کوپیتال و نسبت طول به عرض بال جلو و عقب، با دیگر صفات بال‌ها همبستگی فنوتیپی مثبت و معنی‌داری داشت، که بیشترین همبستگی مربوط به طول بال جلو، طول بال عقب و عرض بال جلو بود

کویتال b با تولید عسل هم‌بستگی مثبت و معنی‌داری داشتند، که می‌توان در برنامه‌های اصلاح نژادی به عنوان صفات هم‌بسته در آنها انتخاب انجام داد و شاهد افزایش تولید عسل بود.

سیاسگزاری

بدین‌وسیله از دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان و مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام جهاد کشاورزی استان اصفهان، که امکانات مادی و لوازم و کلنی‌های مورد نیاز را فراهم نمودند، تشکر می‌گردد. هم‌چنین، از آقایان سیدمظاهر سیدی، محمدرضا بصیری، محمود ثالثی و حیدر کلانتری به دلیل کمک‌هایشان در اجرای این پژوهش قدردانی می‌شود.

به طور کلی، طول و عرض بال جلو و عقب نسبت به اندازه‌های دیگر بال‌ها هم‌بستگی شدیدتری با اندازه‌های پای عقب زنبور عسل کارگر نشان داده است، که این در مورد هم‌بستگی‌های ژنتیکی بیشتر مشهود است (جداول ۴ و ۵). هم‌چنین، در بیشتر موارد بین ایندکس کویتال و اندازه بال‌ها هم‌بستگی وجود ندارد. تعداد قلاب، طول کویتال a و b هم‌بستگی‌های کمی با اندازه‌های پای عقب داشتند.

از نتایج به دست آمده در این پژوهش می‌توان دریافت که برای بهبود کل تولید عسل می‌توان روی تولید عسل تابستان انتخاب انجام داد، که افزون بر بهبود تولید عسل تابستان، تولید کل را نیز افزایش داده، نیازی به صرف هزینه و زمان اضافی برای اندازه‌گیری و محاسبه کل تولید سال نیست. در میان صفات ظاهری، طول ساق پای عقب، عرض بال جلو و طول

منابع مورد استفاده

۱. بی‌نام. ۱۳۷۳. جداول آمار و اطلاعات در زمینه‌های دام و طیور، تولیدات دامی و قیمت محصولات دامی. معاونت امور دام، وزارت جهاد کشاورزی.
۲. بی‌نام. ۱۳۷۵. آمار دام و طیور کشور. معاونت امور دام، وزارت جهاد کشاورزی.
۳. بی‌نام. ۱۳۷۶. آمار دام و طیور و تولیدات دامی و صنایع تبدیلی. معاونت امور دام، سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان.
۴. عبادی. ر. ۱۳۶۷. مقایسه عملکرد پنج نژاد و هیبرید خارجی با نژاد ایرانی در منطقه اصفهان. مجله علوم کشاورزی ایران ۱۹ (۳) و ۴: ۱۲-۲۲.
۵. طهماسبی، غ. ح. ۱۳۷۵. مطالعه مورفولوژیک و بیوشیمیایی توده‌های زنبور عسل ایران. پایان‌نامه دکتری حشره‌شناسی کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۶. مستاجران، م.، م. ع. ادریس، ر. عبادی و غ. ح. طهماسبی. ۱۳۷۹. برآورد ضریب وراثت‌پذیری صفات ظاهری و تولید عسل کلنی‌های زنبور عسل اصفهان. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی ۴(۱): ۱۱۹-۱۲۶.
7. Becker, W. A. 1992. Manual of Quantitative Genetics. 5th Ed., Acad. Enterprises, USA.
8. Bienefeld, K. and F. Pirchner. 1992. Phenotypic correlations between efficiency and behaviour of honey bee colonies (*Apis mellifera carnica*). Rev. Brasil Genet. 15: 351-358.
9. Furgala, B. and S. R. Duff. 1991. Evaluation of honey bee stocks from three geographic area other than Gulf states and Southern California. Am. Bee J. 131: 518-521.
10. Harvey, W. R. 1987. User's Guide for LSMLMW. PC-1 Version, Mixed Model Least Squares and Maximum Likelihood Computer Program, Ohio, USA.
11. Milne, C. P., Jr. 1985. The need for using laboratory tests in breeding honey bee for improved honey production. J. Apic. Res. 24: 243-249.
12. Milne, C. P., Jr. and K. J. Pries. 1984. Honey bee corbicular size and honey production. J. Apic. Res. 23: 11-14.

13. Poklakar, J. and N. Kezic. 1994. Estimation of heritability of some characteristics of hind leg and wings in honey bee workers (*Apis mellifera carnica* Polm) using the half-sib method. *Apidologie* 25: 3-11.
14. Ruttner, F. 1985. *Geographical Variability and Classification From Bee Genetics and Breeding*. Ed. Rinderer Academic Press, USA.
15. SAS. 1995. *SAS Users' Guide*. SAS Inst. Inc., Cary, NC.
16. Soller, M. and R. Bar-cohen. 1976. Some observations on the heritability and genetic correlation between honey production and brood area in the honey bee. *J. Apic. Res.* 6: 37-43.
17. Szabo, T. I. and L. P. Lefkovitch. 1988. Fourth generation of closed population honey bee breeding 2. Relationship between morphological and colony traits. *Apidologie* 19: 259-274.